

انسان توسط خدایان خلق شد، بنابراین ظاهر یک خدا و حتی ساختار درونی همانند خدایان را دارا می‌باشد؛ فقط این‌طور است که فاقد قابلیت انجام کارها بسان خدایان است. همچنین، این بُعد باعث می‌شود که موجودات قادر به مشاهده تصویر حقیقی چیزها نباشند و مخلوقاتی را در این بُعد در محیطی که به‌طور مشخصی مقرر و به‌طور ویژه‌ای ساخته شد دارد؛ این مکانی است ترکیب شده از خدایان بی‌شماری که هستی موجودات انسانی را تضمین می‌کنند. این محیط سبب می‌شود که موجودات انسانی در این بُعد فقط قادر به دیدن اشیاء در این بُعد باشند و نه اشیاء ورای این بُعد یا حتی اشیایی که در این بُعد به شیوه خاصی هستی دارند - هر چند تعداد کمی از مردم با بنیان زیربنایی خوبی وجود دارند که می‌توانند چنین چیزهایی را ببینند یا با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. این مسئله این باور اکثریت مردم را تقویت کرده است که انسان، یگانه شکل حیات در کیهان است، و آن‌ها حتی فکر می‌کنند که شرایط برای وجود حیات در این جا، یگانه شرایط لازمه برای وجود حیات برای هر چیز زنده در تمامی کیهان است. در نتیجه، نوع بشر خودش را حتی بیشتر مهر و موم کرده است. بنابراین مهم نیست که نوع بشر چگونه به تحقیق چیزها می‌پردازد یا برای درک آن‌ها تلاش می‌کند، نمی‌تواند تصویر حقیقی کیهان را ببیند. این حالت از هستی در واقع طبیعی است، زیرا آن محدودیتی ایجاد شده توسط خدایان است. انسان در نظر گرفته شد که در این سطح و در قلمرویی شبیه این زندگی کند. به عبارت دیگر مردم اگر فقط ابزارهای بشری را برای کشف کیهان به کار ببرند، هرگز به تصویر حقیقی آن دست نخواهند یافت، هر قدر هم که تلاش کنند. آن نیز چیزی عرضه شده توسط خدایان است.

بنابراین هدف از همه این‌ها چه بود؟ برای این بود که قبل از این که دافا انتقال یابد، موجودات انسانی را در این حالت - یک حالت پایدار - نگه دارد و آن را در تمام مسیر تا روزی که دافا قرار بود آموزش داده شود حفظ کند. این دلیل آن است که چرا تمامی وقایعی که در تاریخ جهان در طی روند دوره‌های تاریخی مختلف اتفاق افتاده است، و به عقب برویم تا زمان خلق سه قلمرو و نوع بشر - شامل وضعیت آغازین امور پس از این که انسان نخستین بار پیدایش یافت و در امتداد تمام مسیر آن چه در طی چند هزار سال گذشته پس از ظاهر شدن فرهنگ متعارف بشر روی داد، به عنوان مثال، تمامی افراد مشهور و وقایع مهم در تاریخ - آن‌ها در حقیقت به‌منظور پایه‌گذاری یک فرهنگ، شیوه‌های تفکر و مفاهیم و ارزش‌های انسانی بودند به‌طوری که زمانی که دافا آموزش داده شود مردم قادر باشند فا و فرهنگ حقیقی تزکیه را تشخیص دهند. اگر همه این‌ها در تاریخ بنیان نهاده نشده بود، مریدان دافایی که امروز این‌جا نشسته‌اند در حالتی بدوی می‌بودند، حالتی شبیه همان که موجودات انسانی پس از این که خدایان آن‌ها را خلق کردند آن‌گونه بودند، و آن‌ها قادر به درک هیچ چیزی نمی‌بودند. اگر وضعیت این‌گونه می‌بود، آموزش فا غیرممکن می‌بود، و برای مردم امکان‌پذیر نمی‌بود که فا را درک کنند. "تزکیه چیست؟" - آن‌ها هیچ دیدگاهی نمی‌داشتند. با ساده‌ترین اصطلاح بیان کنیم، برای مردم امروز مثل این می‌بود که دارای هیچ فرهنگی نیستند. پس، چگونه این فا امروز آموزش داده می‌شد؟ هیچ راهی نمی‌بود. بنابراین تمامی این چیزها، از زمان‌های کهن تا امروز؛ به‌عنوان یگانه هدف پایه‌گذاری فرهنگ مورد لزوم برای اشاعه دافا اتفاق افتادند.

من در حال انجام آن در دو مرحله بوده‌ام. اولین مرحله شامل اصلاح فا می‌شود و مریدان دافایی که از طریق تزکیه اصلاح فا آن‌را با موفقیت طی می‌کنند مریدان دافای دوره اصلاح فا هستند. در آینده تعداد بیشتری خواهد بود، یعنی تزکیه‌کنندگان دوره‌ای که فا، جهان بشری را اصلاح می‌کند، مرحله بعدی. در آن مرحله تمامی کیهان، به استثناء نوع بشر، از میان اصلاح فا گذر کرده‌اند. اغلب درباره تداخل با اصلاح فا از جانب عناصر کیهان کهن، نیروهای کهن، و تعداد متنوعی از موجودات بد سطوح بالا صحبت کرده‌ام. در آن زمان هیچ‌کدام از آن چیزها هستی نخواهند داشت، به‌جز آن‌هایی که در یک سطح پایین هستند و به‌منظور کمک به رشد تزکیه‌کنندگان آینده به‌جای خواهند ماند. زمانی که هیچ مداخله‌ای از طرف عوامل کهن سطح بالا وجود ندارد اصلاح دنیای بشری توسط فا شبیه چه خواهد بود؟ درباره‌اش بیندیشید، با نبود هیچ مقاومتی از طرف آن عناصر نیروی کهن سطوح بالای دارای قدرت، و با در نظر گرفتن این که موجودات بشری ذاتاً ضعیف هستند، و این که موجودات در بُدهای پایین ترِ عالم و موجودات در بُدهای سه قلمرو هیچ توانایی مهمی ندارند، در آن برهه از اصلاح دنیای

بشری توسط فا، وضعیت مطمئناً متفاوت خواهد بود. درحال حاضر مردم می‌پرسند: وقتی حزب فرومایه از بین برود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پس از آن، امور چگونه خواهد بود؟ حکومت آینده‌ی چین شبیه چه خواهد بود؟ هیچ نیازی به فکر کردن یا انجام کاری در این رابطه نیست. البته، همان طور که به فا اعتبار می‌بخشید و حقیقت را آشکار می‌کنید می‌توانید با درک فعلی‌تان به طور غیرمستقیم به چیزها اشاره کنید. انجام آن اشکالی ندارد، زیرا این اشکال ندارد که بر اساس منطق و درک طبیعی‌ای که فرد دارد به طور غیرمستقیم به چیزها اشاره کرد. اما درخصوص آن چه که واقعاً اتفاق خواهد افتاد، آن به موجودات انسانی بستگی ندارد، و شبیه آن گونه که مردم هم‌اکنون آن را تصور می‌کنند نخواهد بود. در آن زمان اجتماع بشری کاملاً دگرگون خواهد شد، وضعیت امور تماماً تغییر خواهد کرد و ساختار اجتماع در مجموع تغییر خواهد کرد.

بنابراین در طی این دوره، مخصوصاً از آن جا که این دوره‌ای است که مریدان دافا درحالی که اصلاح فا درحال روی دادن است به فا اعتبار می‌بخشند، الزامات برای این گروه ترکیه‌کننده به طور خاصی بالا می‌باشد. از آن جا که این ترکیه‌کنندگان درحالی که اصلاح فا درحال روی دادن است این جا هستند، مقدار زیادی به دوش می‌کشند و مسئولیت‌هایشان عظیم است. بدون توجه به این که استاد چه تعداد زیادی بدن قانون دارد یا قدرتش در کیهان چقدر عظیم است، [با وجود این] بدن اصلی او در میان لایه‌های جداسازی‌های کیهان قدیم است و هر چیزی در اصلاح فا راه، از این دنیا هدایت می‌کند. نوع بشر و سه قلمرو در درجه اول به خاطر نیازهای اصلاح فا خلق شدند و بدن اصلی استاد این جا است، بنابراین نقطه کانونی مداخله شیطان نسبت به اصلاح فا نیز این جا است. مریدان دافا، این جا درحال اعتبار بخشی به فا، حفاظت از فا و در عین حال تزکیه خودشان هستند، بنابراین مسئولیت‌هایشان بدون شک عظیم است؛ و همچنین لازم است این جا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و این مسئولیت نیز برای مریدان دافا حیاتی است. این مسئله، مریدان دافای دوره اصلاح فا را تماماً خارق‌العاده تر می‌کند.

همان طور که گفته‌ام، اگرچه در تاریخ شکل‌هایی از انواع مختلف ترکیه وجود داشتند، اما آن‌ها فقط فرهنگی را بنا نهادند. ترکیه چیست؟ فقط آن چه امروز [شما این جا دارید] تزکیه حقیقی موجودات انسانی است. (تسویق) فقط این قالب امروز توسط خدایان کیهان به عنوان تزکیه حقیقی تشخیص داده می‌شود. (تسویق) تمام آن چیزها در گذشته برای پایه‌گذاری یک فرهنگ بود. هیچ موجود بشری که وارد سه قلمرو شده است تاکنون در خارج شدن از آن موفق نبوده است. هیچ موجودی که از دنیای پهناورتری به این جهان بشری آمد از عهده آن برنیامده است تا به آسمان‌ها برگردد- این هرگز اتفاق نیفتاده است. علی‌رغم تمامی حرف‌هایی که درباره تزکیه زده شده است. هیچ کسی هرگز در آن موفق نشده است. و هرچند آن‌ها درباره صعود به آسمان‌ها زیاد صحبت کردند، هیچ کسی هرگز در صعود به آن جا موفق نشده است. شما درباره روح کمکی می‌دانید. این روح‌های کمکی بوده‌اند که پس از به کار بردن بدن انسانی به عنوان مرکبی برای ترکیه، به آسمان‌ها صعود می‌کردند. پس از به کارگیری بدن انسانی به عنوان یک مرکب، روح کمکی تصویر یک انسان را به خود می‌گرفت و این دلیل آن است که چرا برخی از افراد مشاهده کرده‌اند که این یا آن شخص از طریق روش تزکیه‌ای مربوط به گذشته به آسمان‌ها عروج می‌کند. آن‌ها ممکن است بگویند که عروج یک فرد را پس از مرگش به آسمان‌ها دیدند، اما کسی که به آسمان‌ها صعود کرد نه روح اصلی فرد بود و نه حقیقتاً آن فرد. بنابراین هیچ یک از موجوداتی که به سه قلمرو آمده‌اند هرگز در برگشتن موفق نشده‌اند. آن‌هایی که موفق شدند همگی روح‌های کمکی بودند و آن چه بر سر بدن اصلی می‌آمد هرگز چیزی نبود که روح کمکی آن‌را مهم در نظر بگیرد. موجودات انسانی هرگز توسط هیچ یک از خدایان، مهم در نظر گرفته نشده‌اند.

قبلاً گفته‌ام که خدایان نیز، در دوره‌های زمانی مختلف خلق و برقرار شدند. خدایانی که قادر به نزدیک شدن به این مکان بودند درباره تصویر حقیقی کیهان و حتی تاریخ سه قلمرو و دلایل هستی آن روشن نبودند. و به‌ویژه آن خدایانی که قادر به تأثیرگذاری بر موجودات بشری هستند از سطح پایینی می‌باشند، و درباره این چیزها روشن نبودند. آن‌ها حتی نمی‌دانستند که چرا موجودات بشری وجود داشتند و این دلیل آن است که چرا موجودات بشری برای آنان اصلاً اهمیتی نداشتند. در گذشته وقتی

درحال آموزش دافا بودم، تعداد زیادی از خدایان گفتند، “حتی زمانی که موجودات بشری به این حد منحط شده‌اند درحال آموزش هستی و حتی درحال آموزش چنین فای عظیمی به آن‌ها هستی.” چگونه آن‌ها می‌توانستند از اهمیت حقیقی هستی بشر آگاه باشند؟ البته آن‌ها اکنون این را درک کرده و همگی می‌دانند. همان‌طور که اصلاح فای مرحله به مرحله پیشرفت می‌کند و حقیقت به‌طور بی‌وقفه‌ای ظاهر می‌شود، برخی از خدایانی که نقشی منفی ایفا کردند به درک اشتباهات‌شان رسیده و به تدریج حقیقت را دیده‌اند و در نتیجه روشن شده‌اند. اما بنیادی‌ترین موضوع، که این واقعیت است که نیروهای کهن در سطحی بنیادین تماماً بایستی انکار شوند، چیزی است که آن‌ها هنوز نمی‌توانند نهایتاً و به‌طور کامل بپذیرند. آن‌ها هنوز نمی‌توانند این حقیقت را ببینند. هنگامی که چیزها وارد مرحله پایانی شود و آن‌ها حقیقت را ببینند، خیلی دیر خواهد بود، و برای آن‌ها فاجعه به‌بار خواهد آورد.

از آن‌جا که این در دو مرحله انجام می‌شود، هرچند اجتماع بشری با وجود مشاهده آزار و شکنجه مریدان دافا کاملاً بی‌تفاوت است، و شیوه‌های امور که در اجتماع بشری هستند حکایت از این می‌کند که هیچ تأثیر مهمی بر اجتماع بشری وجود ندارد - هرچه باشد، تمامی مشاغل به‌طور دقیق و منظم درحال اجرا هستند، و این ماشین اجتماع بشری هنوز مثل سابق عمل می‌کند و به‌طور عادی درحال کار کردن است - به خاطر این است که امور مربوط به موجودات بشری تا زمانی که فای دنیای بشری را اصلاح کند قرار نیست انجام شود. درحال حاضر اصلاً هیچ کاری در ارتباط با موجودات بشری انجام نداده‌ام، و همان‌طور که مردم دنیا را نجات می‌دهید درحال انجام هیچ کاری به‌جز بیدار کردن و ترغیب وجدان‌ها و خوبی مادرزادی مردم نیستید. اهریمن، درحالی که مریدان دافا را آزار و شکنجه می‌کند، برای این که راهی برای موجه جلوه دادن خودش در آزار و شکنجه مریدان دافا داشته باشد، خواسته است که تمام مردم دنیا با مریدان دافا و دافا مخالفت کنند و هیچ موقعیت محکمی برای مریدان دافا در جهان بجا نگذارد. بنابراین در اجتماع انسانی انبوهی از دروغ‌ها را پرورانده و از تمامی ابزارهای تبلیغاتی چین استفاده کرده است تا بلوا ایجاد کند، تلاشی بیهوده می‌کند تا تمام مردم دنیا دروغ‌هایش را باور کرده و در آزار و شکنجه مریدان دافا شرکت کنند. به همین دلیل، بسیاری از موجودات ذی‌شعوری که حقیقت را نمی‌دانستند، تعداد زیادی از مردم دنیا، مسموم شدند. بنابراین آنچه این بیان می‌کند [این است که]، هدف از آشکارسازی حقیقت مریدان دافا در طی این دوره، نجات مردم و زدودن مسمومیت مردم توسط عوامل کهن و ارواح شیطانی حزب فرومایه می‌باشد. علت این است که، در طی اصلاح فای نیروهای کهن از بین می‌روند، حزب فرومایه و روح شیطانی نیز به‌طور حتم دور ریخته خواهند شد و تمامی آن‌هایی که در آن‌چه آن‌ها انجام می‌دهند دستی دارند دور ریخته خواهند شد. این قانونی تعیین شده در طول اصلاح فای است، و می‌بایستی بدین طریق انجام شود. اگر ما نرویم و فردی مثل آن را نجات ندهیم، او همراه با شیطان توسط تاریخ دور ریخته خواهد شد.

هنگامی که یک حیات حقیقتاً از بین می‌رود بسیار هولناک است. نوع مرگی که برای مردم قابل رؤیت است هولناک نیست، زیرا آن، مرگ وجود حقیقی فرد نیست. وقتی یک انسان می‌میرد، او فقط پوسته‌ای را که [از چیزهایی در] سطحی‌ترین بُعد مادی ساخته می‌شود درمی‌آورد، دقیقاً همانند درآوردن یک تکه لباس؛ در صورتی که حیات واقعی مجدداً وارد چرخه بازپیدایی شده است. البته برخی از تزکیه‌کنندگان پیشین که به‌خوبی تزکیه کردند در پایان زندگی‌شان یک روح کمکی از آن‌ها بلند شد و ترک کرد، اما آن خود فرد نبود. این چیزی است که پس از این که فرد می‌میرد اتفاق می‌افتد. فقط تزکیه بنیان نهاده شده توسط دافا می‌تواند حقیقتاً برای فرد موفقیت را به ارمغان آورد. در تمامی تاریخ هیچ‌کسی از این که چرا انسان به این‌جا آمد و از جایگاه انسان در جهان آگاهی نداشته است. و دقیقاً به‌خاطر این که این‌ها رموز و اسرار هستند، هیچ خدایی از پاسخ آن آگاهی نداشته است - موقعیتی که به‌طور مؤثری ثبات نوع بشر، ثبات سه قلمرو، و ایمنی موجودات بشری را تضمین کرده است.

این رموز و اسرار اکنون به تدریج آشکار می‌شوند، و خدایان و موجودات در آسمان‌ها نیز به تدریج درحال پی بردن به حقیقت و آگاه شدن از آن هستند. پاسخ‌ها به سؤالاتی از قبیل “چرا دافا آموزش داده شده است؟ چرا چنین فای عظیمی به نوع بشر آموزش داده شده است؟ چرا موجودات انسانی این قدر خوش‌بخت هستند؟” [برای آن‌ها درحال واضح شدن است]. آن

خدایان اغلب به من می‌گفتند، "فقط موجودات انسانی برای تو مهم هستند." آن‌ها تلویحاً در حال گفتن این بودند که "ما برای تو مهم نیستیم. در اصلاح فا با ما بسیار سخت‌گیر هستی و با این وجود با موجودات انسانی بسیار ملایم هستی." اکنون آن‌ها دیگر این را نمی‌گویند. هیچ‌کسی آن‌را دیگر نمی‌گوید. به عبارت دیگر، سه قلمرو، جهان بشری، و نوع بشر - کل این چیزها تمامی کیهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و با نجات موجودات بی‌شمار بی‌کران در تمامی کیهان ارتباط دارند. در میان آن‌ها، موجودات سطح بالای بی‌شمار بی‌کران و موجودات بی‌نهایت سطح بالا وجود دارند. آیا این چیزی حیاتی نیست؟ اما یک موجود انسانی که در زمانی طولانی در حالتی از توهم بوده است نمی‌تواند از داخل سه قلمرو تصویر حقیقی چیزها را ببیند. با توجه به این‌که موجودات انسانی نمی‌توانند آن‌چه را که حقیقی است ببینند، در سه قلمرو بایستی موقعیتی برای‌شان فراهم می‌شد که با آن بتوانند یک شیوه زندگی بشری را حفظ کنند. و موجودات انسانی با بودن در حالت توهم، بی‌گمان در دام آن وضعیت گرفتار می‌شوند، در نتیجه به‌خاطر زنده ماندن، به یکدیگر آسیب می‌رسانند و برای چیزها رقابت و جنگ می‌کنند. بدون در نظر گرفتن این‌که آن‌چه انجام می‌دهند آرام یا پرتنش به نظر می‌رسد، تمامی آن‌ها به‌خاطر نفع شخصی و از روی انگیزه‌های خودخواهانه است. اما در هر موردی، از آن‌جا که این وضعیت برای موجودات انسانی برنامه‌ریزی شد، تا زمانی که در میان محدوده‌های برنامه‌ریزی شده آن وضعیت عمل کنند به‌عنوان خطا کار بودن آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. با توجه به این‌که انسان‌ها برای مدتی طولانی در این محیط و این وضعیت توهم بوده‌اند، از زمانی که دافا اشاعه یافتن را آغاز کرد، مسئله این شد که آیا افراد می‌توانند ببینند که ماهیت این فاجعه چیست و آیا آن‌ها می‌توانند پوسته‌ای را که مدت زمان طولانی در آن مهر و موم شده بودند بشکافند. برای موجودات انسانی این مسئله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار شده است. ممکن است این برای موجودات انسانی غیرمنصفانه به نظر برسد، اما در حقیقت منصفانه است.

بنابراین زمانی که موجودات انسانی به این‌جا آمده‌اند و بین دیگر موجودات بشری هستند، هر کسی این‌جا، در این محیط به فراسوی حد و مرزهای تعیین شده این وضعیت برود و در طول دوره حیاتش به انجام آسیب‌های جدی نسبت به دیگران و انجام کارهای بد ادامه دهد، این فرد در حال فاسد کردن این محیط و خراب کردن این وضعیتی است که موجودات انسانی قرار است داشته باشند، و در حال ارتکاب گناه علیه خود این قضیه بسیار مهم است. بنابراین درحالی که دافا اشاعه است و در طول دوره تزکیه مریدان دافا، وقتی به این مسئله می‌رسد که آیا مردم می‌توانند فا را کسب کنند و آیا قادر به تزکیه تا پایان هستند، مقدار کارمایی که در تاریخ به‌وجود آوردند قطعاً برای آن‌ها به‌عنوان موجودات انسانی یا به‌عنوان تزکیه‌کنندگان، باعث به‌وجود آوردن درجات متفاوتی از چالش‌ها می‌شود. به بیانی صریح‌تر، وقتی به این پرسش‌ها می‌رسد که آیا فردی می‌تواند فا را به‌دست آورد و این‌که آیا فرد می‌تواند تمام مسیر تزکیه کند، شکل‌های متفاوتی از مداخلات و مزاحمت‌ها برای افراد مختلف وجود خواهد داشت. تمامی آن مشکلات از اعمال گذشته خود فرد ناشی می‌شود، بنابراین هیچ‌کسی نباید شکایت کند. چه کسی می‌تواند فا را کسب کند؟ چه کسی می‌تواند این پوسته را بشکافد و بیرون بیاید؟ و چه کسی می‌تواند به‌طور حقیقی، به‌طور خردمندانه‌ای ماهیت این فا را ببیند؟ با نگاه از این منظر، چیزها در واقع برای موجودات ذی‌شعور منصفانه است.

برای موجودات انسانی، نگرشی که در برابر چیزی به این مهمی دارند بیشترین اهمیت را دارد. بنابراین این وضعیت توهم دارای اثری بر موجودات بشری است: وقتی به این مسئله می‌رسد که آیا می‌توانید تزکیه کنید، آیا می‌توانید حقیقت را ببینید، آیا می‌توانید تصویر حقیقی چیزها را ببینید، و آیا می‌توانید با این فا به‌طور اتفاقی آشنا شوید، این حقیقت که موجودات در وضعیت توهم هستند باعث می‌شود امور برای آن‌ها به‌طور وحشتناکی سخت شود. این دلیل آن است که چرا تمام نژاد بشر، جزء مریدان دافایی که ما داریم و امروز این‌جا نشسته‌اند نیستند. البته، همان‌طور که گفته‌ام، اشاعه دافا برای تمام موجودات منصفانه بوده است. مقام یا موقعیت اجتماعی فرد مهم نیست - فقط قلب فرد و نگرش نسبت به دافا اهمیت دارد. در حقیقت، کل اصلاح فا با این باگذشت‌ترین، بخشنده‌ترین شیوه انجام شده است. اشتباهاتی که موجودات در تاریخ انجام دادند علیه آنان به حساب نمی‌آید. مهم نیست در طول تاریخ گناهی به چه بزرگی مرتکب شدید یا چه اشتباهات بزرگی انجام دادید، هیچ‌یک از آن‌ها علیه شما

منظور نمی‌شود: تنها نگرش امروز شما نسبت به اصلاح فا و درک شما از دافا مهم است. این تنها چیزی است که به حساب می‌آید. اگر نتوانید حتی دافا را بپذیرید، پس فرصت‌تان را از دست می‌دهید. اگر بگویید، “من دافا را تأیید نمی‌کنم،” بسیار خوب، اگر دافا را تصدیق نکنید، درحال تأیید نکردن آینده هستید، چراکه آینده توسط این فا ساخته می‌شود.

تقریباً تمام کل کیهان در اصلاح فا کامل شده است. قبلاً آن را به صورت کفه ترازو توصیف کردم. میان کیهان قدیم و جدید، کیهان جدید دائماً درحال سنگین‌تر شدن بود، و بخشی که از میان اصلاح فا گذر کرده بود دائماً درحال افزایش یافتن بود، و آن قسمت گویی روی کفه ترازو درحال فشار دادن به پایین بود. اکنون آن دیگر موضوعی نیست، زیرا شکل‌گیری کیهان جدید اساساً به طور کامل انجام شده است. (تسویقی گرم) آن چه باقی می‌ماند عوامل پایانی هستند. و زمانی که تمامی آن چیزها حل و فصل شوند، مرحله نهایی اصلاح فا به پایان خواهد رسید. پس از این که اصلاح فا به پایان برسد، عصر کیهان جدید آغاز می‌شود. و در انتها فقط دنیای بشری برای اصلاح شدن باقی خواهد ماند. پهنه این زمین و سه قلمروی نوع بشر احاطه و مهر و موم خواهد شد و از کیهان جدید و بزرگ‌تر جدا خواهد شد. آیا دانشمندان امروزی کشف نکرده‌اند که راه شیری درحال بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدن و دور شدن بیشتر از جهان است و با شتابی سریع درحال دور شدن از آن است؟ این در واقع یک روند ترک کردن است. بعد از این که اصلاح فا در کیهان جدید تمام شود، تأثیری که تمامی موجودات سه قلمرو بر کیهان جدید خواهند داشت آلوده کردن خواهد بود، و این دلیل آن است که چرا سه قلمرو لازم است جدا شود، مهر و موم شود و در انزوا به آن رسیدگی شود و آن [مرحله‌ی] اصلاح دنیای بشری توسط فا است.

مریدان دافا در این دوره درحال تزکیه کردن هستند و مسؤولیت‌هایی که بر دوش می‌کشند تا این حد عظیم و سنگین هستند. اکنون شما این را به وضوح شنیده و آن را درک کرده‌اید- بنابراین منظور از هستی بشر و حالت تزکیه‌ای که مریدان دافا دارند این است. بدین ترتیب شما باید درباره قالب تزکیه کردن در این جهان روشن‌تر از همیشه باشید، زیرا فقط این تزکیه است و فقط این به طور حقیقی تزکیه ترتیب‌داده شده برای موجودات درون سه قلمرو است. هر چیزی که در گذشته ظاهر شد به منظور بنیان نهادن یک فرهنگ برای نوع بشر بود، در صورتی که این آن نقطه شروع نهایی است که به وسیله آن موجودات انسانی قرار است به طور حقیقی دوباره صعود کنند و این دلیل آن است که چرا الزامات برای تزکیه‌کنندگانی که درحال انجام این تزکیه هستند متفاوت است. سه کاری را که استاد در فا به شما آموخته است که به خوبی انجام دهید ساده به نظر می‌رسند، اما [چیزهایی از قبیل] این که آیا کوشا هستید و مقام باروری که به آن نائل خواهید شد به آن پیوند خورده است. دافا در اجتماع بشری پایه‌گذاری شده است و شکل تزکیه شما باعث شده تا بیشترین حد، با اجتماع بشری هم‌ساز باشید. بسیاری از افراد فکر می‌کنند که آن درخصوص آسان‌گیری در تزکیه و راحت کردن چیزها برای تزکیه‌مان است، اما شاگردان سعی آن‌را بدین طریق نمی‌بینند. بلکه آن، مسیری است که مریدان دافا درحالی که تزکیه می‌کنند باید در پیش گیرند. بنابراین هر کاری که انجام می‌دهید، خواه به خوبی متعادل کردن روابط خانوادگی‌تان درحالی که در بین مردم معمولی زندگی می‌کنید باشد، به خوبی هماهنگ کردن روابط‌تان در اجتماع باشد، چگونه در محل کارتان عمل می‌کنید، چگونه در اجتماع رفتار می‌کنید و غیره، هیچ‌یک از این‌ها چیزی نیستند که شما بتوانید فقط ماشین‌وار و بدون اشتیاق انجام دهید. تمامی این چیزها بخشی از شیوه تزکیه شما و مسائل جدی و مهمی هستند.

بسیاری از شاگردان درک می‌کنند که فقط انجام تمرینات و مطالعه فا تزکیه کردن است. بله، با آن‌ها شما مستقیماً با فا سروکار پیدا می‌کنید. اما همان‌طور که در زندگی روزانه‌تان به طور حقیقی به تزکیه خودتان می‌پردازید، اجتماعی که با آن در تماس هستید، محیط تزکیه شما است. محیط‌های کار و خانواده که اوقاتی را در آن می‌گذرانید هر دو فضایی هستند که قرار است خودتان را در آن مکان‌ها تزکیه کنید، بخشی از مسیری هستند که شما باید طی کنید، چیزهایی هستند که شما باید اداره کنید، و آن‌ها را به درستی اداره کنید. هیچ‌یک از این‌ها نمی‌بایستی نادیده گرفته و سرپوش گذاشته شوند. زمانی که تا به آخر

موفق شدید، [سؤال این خواهد بود]: مسیری را که استاد برای تان نظم و ترتیب داد چگونه طی کردید؟ وقتی همه چیز گفته و انجام شد، این چیزها بایستی به حساب آورده شوند. و در مسیر تزکیه تان نیز این چیزها می بایستی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین نباید هیچ چیزی را نادیده بگیرید. تا جایی که به راحتی مربوط می شود، [در دافا] یک فرد می تواند بدون این که مجبور باشد که وارد یک صومعه شود، به کوهستانی دور افتاده برود، یا جهان مادی را ترک کند، تزکیه کند. اما از زاویه ای دیگر، تمام این ها لایه ای از سختی را اضافه می کنند: اگر قرار است آن را با موفقیت بگذرانید، باید در خصوص چیزهایی مثل تمامی موارد فوق به خوبی عمل نمایید، و در هر جنبه ای از زندگی تان به خوبی عمل کنید.

با بیان این موارد، افراد مختلف فا را در سطوح مختلف درک می کنند، و شاگردان جدیدتر وجود دارند. برخی از افراد شاید تصور کنند، "وقتی من از امور خانوادگی مراقبت می کنم درحال تزکیه کردن هستم. به حد کافی خوب است اگر من روابط نزدیک تری با والدین و خواهران و برادرانم ایجاد کنم." آن وقت وابستگی جدیدی را پرورانده اید و به افراط رفته اید. شما باید هر کاری را به خوبی انجام دهید، اما نمی توانید زیاده روی کنید؛ زمانی که زیاده روی می کنید، این وابستگی دیگری است. هم چنین لازم است نگرش درستی نسبت به دافا داشته باشید و حقیقتاً خودتان را به عنوان یک تزکیه کننده در نظر بگیرید. برای مصمم بودن چگونه تلاش می کنید، فا را چگونه در نظر می گیرید، و چگونه تزکیه می کنید - شامل طول مدت و الویت دادن به مطالعه فای تان - نمی توانید هیچ یک از این ها را نادیده بگیرید، و آن ها در واقع مهم تر هستند، زیرا این مسیر تزکیه شما است، مسیری که باید آن را طی کنید. شما دقیقاً باید از میان اجتماع بشری تزکیه کنید، و شما دقیقاً قرار است به موازات اصلاح فا درحالی که درحال پیشرفت است وجود داشته باشید و نسبت به موجودات ذی شعور مسئول باشید. این دلیل آن است که چرا باید بدین شیوه تزکیه کنید.

قبلاً گفته ام که اگر همه شما برای تزکیه کردن به کوه های دور از دسترس، یا صومعه ها می رفتید، آن گاه با اجتماع تماسی نمی داشتید و قادر نبودید به طور مؤثری به نجات موجودات به این گستردگی بپردازید، درست است؟ بنابراین این که به شما توصیه شد که کارها را همان طور که اکنون درحال انجام آن هستید انجام دهید دلیلی برای آن وجود نداشت؟ انجام آن به این شیوه، شرایط مناسب بهتری برای نجات موجودات برای شما فراهم می کند، آیا این طور نیست؟ البته همان طور که به تزکیه می پردازید، شما - که تزکیه کننده هستید - مطمئناً با آزمون ها مواجه می شوید، زیرا لازم است صعود کنید. زمانی که فردی امور را به خوبی اداره نمی کند، دردسر و دشواری ها به طور پیوسته به وجود خواهد آمد. اما کسانی که کارها را به خوبی اداره می کنند، همان طور که تزکیه می کنند به طور پیوسته با آزمون ها مواجه می شوند. اگر به طور مطلق همه آن ها را به عنوان مداخله در نظر بگیرید و دردسر و دشواری ها را فقط به خاطر حل و فصل کردن آن ها حل و فصل کنید، پس قادر به حل و فصل کردن آن ها نخواهید بود، زیرا آن ها به خاطر رشد شما اتفاق می افتند. باید به آن ها با افکار درست نگاه کنید، [از خودتان بپرسید،] "با این مشکلی که روبرو هستم، راه درست مواجه شدن با تمام چیزهایی که در ارتباط با این مزاحمت و مداخله است چیست، و در برابر هدف نجات موجودات ذی شعور چگونه باید آن را بسنجم؟ و چگونه باید در مسیری مسئولانه برای نجات موجودات ذی شعور به آن بپردازم، و وقوع این چیزها را به عنوان زمینه های خوبی برای آشکارسازی حقیقت، یا به عنوان فرصت هایی برای آشکارسازی حقیقت در نظر بگیرم؟" تحت شرایط عادی شاید دلیلی برای نزدیک شدن به مردم و آشکارسازی حقیقت برای آن ها نداشته باشید، و اگر بدون مقدمه چنین کنید ممکن است مایل نباشند با شما روبرو شوند. آیا تداخل و مزاحمت به شما فرصتی برای تماس با مردم نمی دهد؟ آیا نباید فرصت را غنیمت شمرده و حقیقت را برای آن ها آشکار کنید؟ بزرگترین مسئولیتی که مریدان دافا دارند، جدای از تزکیه خودشان، نجات موجودات است. بنابراین آیا می توانید آن را انجام ندهید؟ و چطور می توانید آن را به خوبی انجام ندهید؟ بنابراین نباید وقوع هر مشکلی را که با آن روبرو می شوید به عنوان مزاحمتی برای وظایف درست تان، مطالعه فا، یا آشکارسازی حقیقت تان در نظر بگیرید. مسئله بدین صورت نیست. زمانی که مشکلی به وجود می آید، فرصتی برای آشکارسازی حقیقت برای شما مهیا می کند.

آیا نگفته‌ام زمانی که در سه قلمرو به چیزها نگاه می‌کنید، امور برعکس هستند؟ بسیاری از چیزهایی که نوع بشر بد در نظر می‌گیرد خوب هستند. و بسیاری از چیزهایی که نوع بشر خوب در نظر می‌گیرد بد هستند. آیا پنداشت همگانی در جهان بشری وارونه نیست؟ موجودات انسانی فکر می‌کنند که این چیز بدی است که سختی‌هایی کشید. اما رنج بردن از سختی‌ها می‌تواند کارما و گناهان فردی معمولی را کاهش دهد. هنگامی که فردی در طول حیاتش مقداری سختی را تحمل می‌کند، در زندگی بعدی‌اش رحمت دریافت خواهد کرد. هنگامی که فردی در زندگی بعدی‌اش ثروت دارد یا از یک مقام بالا بهره‌مند می‌شود، آن مرهون انجام اعمال خوب و جمع کردن رحمت و تقوی در زندگی قبلی‌اش می‌باشد. اگر فردی به انجام اعمال بد ادامه دهد، حتی یک ذره رحمت یا تقوای بجای مانده نداشته باشد، و مقدار زیادی کارما جمع کرده باشد، پس در زندگی بعدی‌اش نه تنها هیچ رحمت و تقوایی ندارد، و از هیچ نیک‌بختی‌ای بهره نخواهد برد، بلکه مجبور خواهد بود برای کل آن کارما تاوان نیز بپردازد. بنابراین در کل زندگی‌اش گرفتار فقر خواهد بود و توسط دیگران پست شمرده خواهد شد. او ممکن است حتی فکر کند که دنیا در تمام اشکال نسبت به او بی‌انصاف است، درحالی‌که تماماً به‌خاطر این است که او درحال بازپرداخت قرض‌هایی است که در زندگی قبلی‌اش جمع کرده است. این صحبتی است در ارتباط با موجودات بشری. پس برای تزکیه‌کنندگان، آیا این محیط دقیقاً فرصت‌هایی برای رشد فرد فراهم نمی‌کند؟ مریدان دافا همگی می‌دانند که تحمل سختی‌ها کارما را از بین می‌برد، و این که علاوه بر آن، فرصت‌هایی را برای رشد فرد تدارک می‌بیند. آن‌ها قادرند آن‌را به درستی ببینند، و همراه با بازپرداخت کارمای‌شان قادرند فرصت را غنیمت شمرده و در ارتباط با کارهایی که باید انجام دهند به‌خوبی عمل کنند. اگرچه آن سخت است، اما آن‌ها آزمون‌هایی هستند که باید بر آن‌ها غلبه کنند. وقتی بتوانید درست به موضوع نگاه کنید، مشکل را در جای درست خودش قرار داده و آن‌را از طریق درستی حل کنید، از این آزمایش پیروز بیرون می‌آیید، سطح شما ترقی کرده، قلمرو شما ارتقاء یافته و گونگ‌تان افزایش می‌یابد، درست است؟ آیا کل روند تزکیه اصلاح فا این‌گونه عمل نمی‌کند؟

به‌خاطر بسپارید، آنچه برای موجودات بشری پنداشت همگانی است وارونه می‌باشد. بنابراین وقتی همان‌طور که تزکیه می‌کنید با چیزهای پردردسر مواجه می‌شوید، همه آن‌ها را به‌عنوان مشکلات، به‌عنوان مداخله در وظایف درست‌تان، یا به‌عنوان حملاتی علیه آن وظایف در نظر نگیرید، یا این که فکر کنید، “این کار که درحال انجام آن هستم بیشترین اهمیت را دارد، آن کار که درحال انجام آن هستم دارای حداکثر اهمیت است...” درواقع، بسیاری از چیزها ممکن است واقعاً آن‌طور که شما می‌بینید نباشند. رشد حقیقی شما همیشه اولین و مهمترین خواهد بود، و کمال تزکیه شما همیشه اولین و مهمترین است. اما نمی‌توانید فکر کنید که، “از آن‌جا که شما بیان کردید رشد و تزکیه من بیشترین اهمیت را دارد، هیچ‌کسی نباید با آن مداخله کند.” شما دوباره در اشتباه خواهید بود. آیا مداخله و مزاحمت، فرصت‌هایی را برای رشد فرد فراهم نمی‌کند؟ از دیدگاه من، به‌عنوان استاد شما، فکر می‌کنم که رشد شما مهمترین چیز است، اما به این معنی نیست که همان‌طور که رشد می‌کنید مسیری هموار در انتظار شما است. تصور کنید که با مقدار زیادی کارما به بهشت می‌رفتید و درحال کشیدن چمدان سنگینی می‌بودید (خنده حضار)، چگونه آن می‌توانست مجاز باشد؟ من مجبورم امتحان‌های خاصی را برای شما برنامه‌ریزی کنم و کاری کنم که از آن وابستگی‌های خودتان رها شوید، کاری کنم که از تمام آن کوله‌بار‌هایی یابید. همان‌طور که از میان امتحانی پس از دیگری گذر می‌کنید، باید به‌طور پیوسته وابستگی‌ها و افکار بشری را بیرون بریزید، و شما قادر نخواهید بود که آن چیزها را به امتحان‌های دیگر ببرید [و هنوز هم آن‌ها را بگذرانید]. بنابراین هنگامی که یک آزمون فرا می‌رسد، شما می‌گویید، “این دردسر است،” و برخی از افراد حتی به هر جایی برای پیدا کردن استاد می‌روند و می‌پرسند، “اوه، چگونه آن را برطرف کنم؟” خوب، چگونه می‌توانستم آن‌را برایتان حل کنم؟ اگر می‌شد که من آن‌را برطرف می‌کردم، شما نمی‌توانستید آن امتحان را بگذرانید. اگر آزمون‌ها را از میان برمی‌داشتیم، آیا قرار است درحالی‌که بار سنگینی از اسباب و اثاثیه با خود می‌کشید به جلو بروید؟ بنابراین من نمی‌توانم آن امتحان را برای شما از میان بردارم. (استاد می‌خندد) آیا این معنی می‌دهد؟ این دلیل آن است که چرا می‌گویم

هنگامی که به تزکیه می‌رسد، حقیقتاً باید پی ببرید که تزکیه چیست، به‌طور حقیقی و خردمندانه‌ای در برابر تزکیه خودتان مسئول باشید، هر چیزی که با آن مواجه می‌شوید به‌طور واقعی با افکار درست اداره کنید، و افکار درست قوی داشته باشید.

در آخرین کنفرانس فای کرانه غربی، آیا درباره این که چگونه بسیاری از تمرین‌کنندگان دافا قادر به پذیرش انتقاد نیستند صحبت نکردم؟ آن‌ها از مورد انتقاد واقع شدن اجتناب می‌کنند. به محض این که دیگران چیزی می‌گویند آن‌ها منفجر می‌شوند، ناراحت می‌شوند، یا شروع به مجادله با کسی می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند فقط چیزهای خوشایند بشنوند. بنابراین شما فقط می‌خواهید مسیری هموار را طی کنید، آیا این‌طور نیست؟ آیا می‌خواهید با کوله‌باری از بار سنگین به آسمان‌ها بروید؟ آیا کاری که می‌خواهید انجام دهید در اصل این نیست؟ شما باید از تمامی افکار بد بشری و هر نوع از وابستگی که دارید رها شوید. آیا عدم تمایل به شنیدن انتقاد، یک وابستگی نیست؟ شما فقط می‌خواهید چیزهای خوشایند بشنوید، اما چگونه می‌تواند بدین صورت باشد؟ [برنامه‌ریزی‌هایی ترتیب داده می‌شوند] که دقیقاً دیگران چیزهای ناخوشایندی بگویند و ببینیم که آیا تکان می‌خورید. یک خدا هیچ توجهی به آن‌چه یک موجود بشری درباره او می‌گوید نمی‌کند - شما نمی‌توانید تأثیری بر او بگذارید. او کمترین تلاشی نمی‌کند پی ببرد کاری که شما انجام می‌دهید چگونه به او ارتباط پیدا می‌کند. ابتدا هیچ توجهی نمی‌کند، زیرا شما نمی‌توانید بر او تأثیر بگذارید. خدایان می‌توانند فکر بشر را کنترل کرده و انسان‌ها را برای انجام کارهای خاصی هدایت کنند، نه برعکس. چگونه ممکن است موجودات بشری بتوانند خدایان را تحت تأثیر قرار دهند؟ بنابراین اگر مایلید که موجودی خدایی شوید، آیا خود شما نباید بدان شکل باشید؟ آیا نباید از آن وابستگی‌ها رهایی یابید؟ و آیا نباید از آن احساسات‌تان که می‌تواند توسط موجودات بشری برانگیخته شود رها شوید؟

حتی هنگامی که مشکل توسط یک مرید دافا ایجاد می‌شود همین مصداق دارد. ممکن است بگویید، "این مشکلی به‌وجود آمده توسط مردم عادی نیست، بنابراین غلبه بر آن سخت است." مطمئناً این‌طور است. مریدان دافایی که در حال تزکیه کردن هستند خدایان نیستند، بلکه آن‌ها نیز موجودات انسانی‌اند. و وقتی این، موجودات انسانی هستند که تزکیه می‌کنند، همه نوع وابستگی بشری ظاهر می‌شود. بنابراین در این محیط تزکیه مریدان دافا، تنها می‌توان گفت که موجودات دائماً به سمت بالا در حرکت هستند؛ محیط نمی‌تواند به خلوص [محیط] خدایان ساخته شود. اما این محیط بسیار بهتر از محیط مردم عادی است. این تنها شیوه‌ای است که می‌تواند باشد، و همواره بهتر خواهد شد. این دلیل آن است که چرا در این محیط مریدان دافا، همه نوع وابستگی بشری به نمایش درآمده‌اند و حتی رفتارهای بسیار بدی روی داده است. آیا در مسیری که سفر کرده‌اید شاهد تمامی آن‌ها نبوده‌اید؟ این قابل انتظار است.

بله، تعداد زیادی از افراد هنگامی که دافا به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد بسیار نگران هستند، و فکر می‌کنند، "چگونه این فرد تزکیه‌کننده توانست به این بدی عمل کند؟" بله، اگر هر کسی بدان شیوه فکر کند، شما قادر خواهید بود از این محیط حفاظت کرده و به‌طور پیوسته خلوص آن‌را ارتقاء دهید. اما مشکلات هنوز هم اتفاق خواهد افتاد، و وابستگی‌های بشری هنوز هم خودشان را نشان خواهند داد. من ناظر وضعیت کلی امور بوده‌ام، و می‌دانستم که این چیزها به‌طور حتم در محیط تزکیه پدیدار خواهند شد، اما هم‌چنین می‌دانم که این چیزها مسلماً در طی روند تزکیه‌تان به تدریج برداشته خواهند شد. از آن‌جا که در حال تزکیه کردن هستید، در نهایت همه رشد خواهند کرد، و این را نیز می‌دانم. زمانی که مردم در این محیط تزکیه می‌کنند آن این‌گونه است. اما وقتی می‌بینید که دیگران نام دافا را لکه‌دار می‌کنند هیچ‌یک از شما باید نه سست شوید و نه بی‌اعتنا باشید - این یک الزام برای شما است. با وجود مرید دافا بودن، آیا قرار نیست همه شما از فا حفاظت کرده و به آن اعتبار بخشید؟ این مسئولیت شماست. بنابراین درحالی که به تزکیه می‌پردازید، مسائل صرفاً به شکلی که شما آن‌ها را تصور می‌کنید نیستند. هر چند باید تزکیه را به‌عنوان مهمترین چیز در نظر بگیرید، اما نمی‌توانید فکر کنید که هیچ‌یک از چیزهای دیگر، مهم نیستند، فکر کنید که خانواده شما بی‌اهمیت است، اجتماع بی‌اهمیت است و غیره، و هیچ چیز دیگر، مهم نیست. به‌خوبی متعادل

کردن تمام بخش‌های زندگی‌تان، مسیری است که باید طی کنید. گفته‌ام که در تزکیه باید تا بیشترین حدی که ممکن است با روش جامعه معمولی مطابقت داشته باشید. البته، همه نوع افرادی وجود دارند. آن‌هایی که سعی می‌کنند به دافا آسیب برسانند در آن اردوگاه‌های کار که سعی می‌کنند شاگردان را “تغییر” دهند حتی چیزی گفتند، مبنی این‌که، “آیا استاد نگفته است که درحالی که تزکیه می‌کنید باید تا بیشترین حدی که ممکن است با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید؟ شما باید برگردید تا فردی عادی باشید و مطالعه [دافا] را متوقف کنید. کتاب‌هایتان را تحویل دهید.” بله، همه نوعی افرادی وجود دارند. اما البته، آیا شما، در یک سطح بنیادین، یک تزکیه‌کننده هستید؟ اگر خودتان را حتی از فا جدا کنید، چگونه قرار است تزکیه کنید؟ بسیاری از افراد عادی مرا استاد صدا می‌کنند، اما آن‌ها تزکیه‌کننده نیستند. به عبارت دیگر این‌طور نیست که هر کسی که مرا استاد می‌نامد به‌عنوان یک تزکیه‌کننده به حساب می‌آید. شما باید خودتان را به‌طور حقیقی در زندگی روزمره‌تان تزکیه کنید، و حقیقتاً خودتان را به‌عنوان یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید.

هم‌اکنون مواردی را مطرح کردم. کنفرانس فای شما لازم است به نتایج واقعی دست یابد. به سخنان شاگردان گوش کردم. کنفرانس شما کاملاً پرشور بوده است، و این کاملاً عالی است. بنابراین خوشحالم. وقت بیشتری از شما نمی‌گیرم. فقط آمدم تا شما را ببینم. هرگاه که می‌آیم، اولاً، برای اشاره کردن به موضوعاتی است، و ثانیاً، برای دیدن همه است. آیا برخی افراد نگفته‌اند که شما استاد را این‌جا و فا را این‌جا دارید؟ خوب، پس تلاش کنید تا تمامی آن چیزهایی را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید. (تشیویتی پرشور طولانی)

آموزش فا در کنفرانس فا در پایتخت ایالات متحده

لی هنگجی، ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۶

(تسویق گرم)

درود بر همه! (مریدان می‌گویند، "درود استاد")

افراد بسیاری به این کنفرانس فا آمده‌اند. شاگردان از مناطق بسیاری آمده‌اند. یک سالن کنفرانس نمی‌تواند همه را جای دهد، بنابراین چندین سالن کنفرانس آماده شده است. به‌عنوان مریدان دافا درحالی که تا امروز تزکیه کرده‌اید، به‌طور فزاینده‌ای درباره‌ی این که این دافا که تزکیه می‌کنید چیست روشن‌تر شده‌اید، درباره‌ی مسئولیت‌های مریدان دافا روشن‌تر شده‌اید و درباره‌ی اهمیت هرکاری که مریدان دافا امروز درحال انجام آن هستند روشن‌تر شده‌اید. و این دلیل آن است که چرا حتی تا بلوغ بیشتری رشد کرده‌اید و همان‌طور که به‌عنوان مریدان دافای دوره‌ی اصلاح فا، به نجات موجودات می‌پردازید، به تزکیه‌ی شخصی می‌پردازید و به اعتباربخشی به فا می‌پردازید، بهتر و بهتر عمل کرده‌اید. این مسئله در تغییراتی که در وضعیت کلی امور به‌وقوع می‌پیوندد به‌خوبی می‌تواند دیده شود.

بنابراین درخصوص وضعیت کلی امور درحال حاضر، اکنون، از زمانی که آزار و شکنجه‌ی شیطانی شروع شد کاملاً متفاوت است. آزار و شکنجه‌ی شیطانی فالون گونگ از عهده‌ی آن برنیامد که فالون گونگ را سرنگون کند، بلکه برعکس، خود آن‌ها سرنگون شده‌اند. (تسویق) این صرفاً آزار و شکنجه‌ی علیه گروهی از افراد در اجتماع عادی بشری نیست، و صرفاً آزار و شکنجه‌ی علیه گروهی از تزکیه‌کنندگان نیز نیست. این مقابله‌ای سرنوشت‌ساز بین خوبی و اهریمن در گیتی است و مقابله‌ای سرنوشت‌ساز بین موجوداتی که در طول روند اصلاح فا تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و آن‌هایی که خودخواه هستند، کسانی که کارها را برای خاطر خودشان انجام می‌دهند و کسانی که منحرف شده‌اند، و خود اصلاح فا است. مدت‌ها پیش گفتم که اصلاح فا قطعاً موفق می‌شود و این که هیچ کسی نمی‌تواند آن را متوقف کند. (تسویق) این موضوع ساده‌ای مربوط به تزکیه نیست و موضوع ساده‌ای که ارتباطی با گروهی از شهروندان مهربان داشته باشد نیز نیست که این‌جا در اجتماع بشری فالون گونگ وجود دارد. بلکه این یک جهان ذره‌بینی از اصلاح فای گیتی است که در اجتماع بشری منعکس شد، و در اجتماع بشری، این مسئله، نقطه‌ی قانونی تمام چیزهایی است که در گیتی درحال به‌وقوع پیوستن است. از آنچه که در اجتماع عادی بشری درحال روی دادن است، می‌توانیم وضعیت کلی تمام اصلاح فای گیتی را ببینیم. اگرچه این نمایشی چشم‌گیر و باشکوه نیست، چیزی ژرف و تکان‌دهنده - همان‌گونه که در گیتی است - اما این تجلی مقابله‌ی سرنوشت‌ساز بین خوبی و اهریمن، فشرده شده در این اجتماع بشری است و یک شخص می‌تواند مداخله و مزاحمتی را که موجودات منحرف در طول روند اصلاح فا به‌وجود آورده‌اند ببیند.

قبلاً چیزی را گفتم، که این بود، "اگر آسمان‌ها بخواهند که چیزی تغییر کند، هیچ کسی نمی‌تواند آن را متوقف کند." (تسویق) پس در مورد تو چه‌طور، حزب شرور ناچیز؟ به چه حساب می‌آید؟ اگر تزکیه‌ی مریدان دافا امروز تمام می‌شود، اگر فقط همین تعداد افراد قرار بود نجات پیدا کنند - اگر تعداد مردم دنیا که قرار بود نجات یابند فقط همین اندازه می‌بود - و هر چیزی در این مرحله به پایان می‌رسید، کمتر از یک روز زمان می‌برد تا حزب شیطانی متلاشی شود. (تسویق) این بدین دلیل است که منظور از وجودش، علت این‌که چرا تاریخ در آغاز آن را به‌وجود آورد و روند برپا داشتن آن، تماماً برای خاطر اعتباربخشی امروز مریدان دافا به فا بود. این چیزی است که نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند. وقتی دیگر هیچ فایده‌ای نداشته باشد، چرا نگه داشته شود؟ آن در گیتی چیزی به حساب نمی‌آید. فقط تزکیه‌ی مریدان دافا و نجات موجودات ذی‌شعور، حقیقی و واقعی است. فقط تعالی سطوح مریدان دافا و فقط تقوای عظیمی که مریدان دافا در طول این روند بنیان نهاده‌اند جاودانه هستند. آن‌ها برای آینده هستند. پس، چیزهای دیگر چه اهمیتی دارند؟ هیچ اهمیتی ندارند. هر کسی یا هر چیزی که در طول این دوره یک تأثیر مداخله و مزاحمت داشته است، همان‌طور که تاوان بدهی‌هایش را می‌پردازد متلاشی شده و کاملاً نابود خواهد شد.

البته، هر چیزی که مریدان دافا در طول روند تزکیه و اعتباربخشی به فا به‌نمایش می‌گذارند تنها می‌تواند به‌عنوان ظهور وضعیتی درحال تزکیه کردن در نظر گرفته شود. در طول این روند مطمئناً افرادی هستند که به‌خوبی عمل می‌کنند و افرادی که کمی بدتر عمل می‌کنند، افرادی که محکم نیستند و سست می‌شوند و البته افرادی نیز وجود دارند که خیلی ثابت‌قدم و خوب هستند. تمامی این‌ها نمودهایی در این

روند هستند و این دقیقاً چگونگی روند تزکیه است. این‌ها از شیوه‌های تزکیه پایه‌گذاری شده در گذشته که بر آزمایش‌های شین‌شینگ فرد تمرکز می‌کرد متفاوت است. همگی درباره آن شیوه‌های تزکیه گذشته می‌دانید. آزمایش‌های شین‌شینگی که در طول تزکیه کردن با آن‌ها برخورد می‌کردند، هر موردی که بود، همگی با موضوعات مربوط به فرد سر و کار داشت. اکنون امور متفاوت هستند. این فا عظیم است و منظور اصلی، اصلاح فای گیتی است. همان‌طور که مریدان دافا تزکیه خودشان را انجام می‌دهند آن‌چه که نشان داده می‌شود کاملاً متفاوت از چیزهای تزکیه‌های پیشین است، که هدف، کمال خود شخص بود.

مدت‌ها پیش گفتیم که تزکیه‌ای که مریدان دافا انجام می‌دهند شکلی از تزکیه را اختیار می‌کند که تا حد اکثر امکان با اجتماع عادی بشری هم‌ساز باشد، شخص درحالی تزکیه می‌کند که با شیوه مردم عادی حد اکثر مطابقت را دارد. پس این نوع تزکیه که با اجتماع عادی بشری هم‌ساز است این نوع حالت تزکیه را موجب می‌شود. این حالت تزکیه متفاوت از هر روش یا حالت تزکیه‌ای در تاریخ است. اگر سعی می‌کردید هر روش تزکیه یا شیوه تزکیه دیگری را به‌عنوان مرجع به‌کار ببرید، همانندی را نمی‌یافتید، چراکه این قبلاً هرگز وجود نداشته است. هرگز چیزی به عظمت اصلاح فا وجود نداشته و نه هرگز چیزی وجود داشته که چنین گروه عظیمی از موجودات را بسازد و تا چنین مقام کمال والایی برساند. همچنین، مهم‌ترین چیز این است که هیچ شخصی هرگز در تزکیه موفق نشده است؛ آن‌هایی که موفق شدند همگی روح‌های کمکی بودند. هرگز در تاریخ یک موجود بشری موجودی خدایی نشده است، بنابراین [آن‌چه که درحال انجام آن هستیم] به هیچ شکل تزکیه گذشته‌ای شبیه نیست. در این محیط تزکیه و در طول روند تزکیه مریدان دافا، مواردی وجود دارد که به‌خوبی همکاری می‌کنید و مواردی که به‌خوبی همکاری نمی‌کنید، و گاهی اوقات با جریان پیوسته‌ای از تضادها و تنش‌ها مواجه می‌شوید. مواردی نیز وجود دارد که مریدان دافا قادرند درحالی که با همدیگر رشد می‌کنند مشکلات را حل و فصل کنند و با این حال موج‌های تضاد و مانند آن مرتباً پدیدار می‌شود. گاهی اوقات نموده‌ها شدید هستند، گاهی اوقات ملایم، و گاهی اوقات پس از گذشت مدتی در تزکیه، مسائل، خود را تکرار می‌کنند و تضادها و تنش‌های جدید ظاهر می‌شوند، حتی تا نقطه‌ای که شدیدتر از گذشته هستند. آن‌گاه برخی افراد می‌اندیشند: “عجب... ما تزکیه می‌کنیم و تزکیه می‌کنیم و با این حال این تضادها و مسائل هنوز این‌چنین شدید هستند؟ چرا بعد از تمام این تزکیه کردن‌ها هنوز تضادهایی وجود دارد؟ ما تزکیه می‌کنیم و تزکیه می‌کنیم، پس چرا به‌نظر می‌رسد که حتی به خوبی گذشته هم نیستیم؟ بعد از این همه تزکیه کردن، چرا این‌طور است که نمی‌توانیم هیچ پیشرفتی را مشاهده کنیم؟” بسیاری از افراد این چنین اندیشیده‌اند. درواقع، این نتیجه‌گیری اشتباهی است و عدم کاملی از درک شکلی را که تزکیه مریدان دافا برمی‌گزیند منعکس می‌کند.

من بیان کردم که مریدان دافا قرار است در اجتماع عادی بشری تزکیه کنند و درحالی که این مسئله راحت‌ترین روش را در دسترس قرار داده- [افراد را قادر می‌سازد] بدون ترک دنیای مادی به‌سوی خدا و بودا شدن تزکیه کنند- همان‌طور که می‌دانید، چیزهای مختلفی که وقتی وابستگی‌های اجتماع عادی گونه به یکدیگر برخورد می‌کنند پدیدار می‌شود، و حالتی که افراد در بین حقایق اجتماع وقتی اخلاقیات افول می‌کنند و فرو می‌ریزند در آن هستند، چالش‌های عظیمی را پیش می‌کشد. و این به همین جا ختم نمی‌شود. در چشم خدایان، این مکان خطرناک و کثیف است، و کارما همه جا هست. کارمایی که مردم روی بدن‌شان حمل می‌کنند آن قدر زیاد است که حتی وقتی در خیابان راه می‌روند از آن‌ها می‌چکد. علاوه بر آن، اهریمن‌های شرور احساسات (چینگ) و اشباح پوسیده‌ای که دنیای بشری را پر می‌کنند وجود دارند. تمامی این چیزها ماده در پایین‌ترین سطح می‌باشد که منحرف شده است. پس محیطی شبیه این، از نقطه‌نظر تزکیه، فقط آزمایشی از این‌که آیا می‌توانید این‌جا پیشرفت کنید را پیش نمی‌کشد، بلکه علاوه بر آن، قسمتی از شما که پس از پیشرفت‌تان به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه شده بود را به‌طور جدی آلوده می‌کرد. این چیزی کاملاً اجتناب‌ناپذیر می‌بود. آیا یک شخص می‌توانست بدین شکل تزکیه کند؟ شما به تزکیه ادامه می‌دادید، و مرتباً آلوده می‌شدید، مرتباً تزکیه می‌کردید، مرتباً آلوده می‌شدید، بارها و بارها. آیا می‌توانستید به این شکل در تزکیه موفق شوید؟ نمی‌توانستید. بنابراین وقتی درحال تعیین این شکل تزکیه بودم این مسئله را مد نظر قرار دادم. از این‌رو، در طول روند تزکیه، به محض این‌که یک تزکیه‌کننده یک قسمت را، همراه با صعود قلمرو خود و گذراندن برخی آزمایش‌ها، به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کرده باشد، آن قسمت به طریقی رها از قید زمان بلافاصله جدا می‌شود. (تشیویق) [آن قسمت]، دیگر هیچ تماسی با دنیای بشری نداشته و توسط مقدار عظیمی از مکان و زمان جدا می‌شود. برای مثال، ممکن است به زمانی میلیون‌ها یا ده‌ها میلیون سال بعد جدا شود. پس آیا می‌توانید او را آلوده کنید؟ او دور از دسترس است. او ممکن است فقط چند اینچ دور باشد، اما تفاوت‌های عظیم مکانی و زمانی باعث می‌شود این بُعد قادر نباشد یک ذره هم با آن قسمت از مریدان دافا که به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه شده است مداخله کند. فقط درحال بیان توضیحی در این خصوص هستیم- آن جدا می‌شود. بنابراین همان‌طور که قسمت‌ها دائماً به‌طور کامل درحال تزکیه شدن هستند، دائماً درحال جدا شدن هستند؛ در عین حال، قسمتی که به‌طور کامل تزکیه نشده است، به‌طور پیوسته دست‌خوش تزکیه می‌شود تا مرحله‌ای که هیچ چیز باقی نماند و هر چیزی به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه شده باشد. این مسیر تزکیه‌ای است که باید طی کنید.

پس همان طور که از میان این روند می‌گذرید، دربارهٔ این بیندیشید: آیا قسمتی از شما که خودش را در اجتماع عادی بشری نشان می‌دهد - قسمتی که به طور موفقیت‌آمیزی تزکیه نشده است - قسمتی از موجودی بشری که درحال تزکیه است نمی‌باشد؟ از آن‌جا که این موجودی بشری است که درحال تزکیه می‌باشد، او افکار و رفتار بشری دارد. از آن‌جا که این موجودی بشری است که درحال تزکیه می‌باشد، او انواع و اقسام افکار بشری بدی دارد که یا در گذر زمان شکل گرفته‌اند یا توسط آلوده شدن جدیدی از اجتماع به وجود آمده‌اند. پس به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، [ممکن است فکر کنید،] "چه چیزی تزکیه کردن به حساب می‌آید؟" بسیار خوب، علاوه بر انجام کارهای دیگر، انجام دادن کارهایی که میدان دافا قرار است انجام دهند، از قبیل کارهایی که به فا اعتبار می‌بخشد و کارهایی که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد، مسئولیت‌گزیرناپذیر یک شخص و قسمتی از بنیان نهادن تقوای عظیم او است. اما این‌که قادر باشید خودتان را رشد دهید حیاتی‌ترین چیز است. این بدین دلیل است که اگر خودتان را رشد ندهید، قادر نخواهید بود هیچ‌یک از آن کارها را به‌خوبی انجام دهید. بنابراین وقتی با خودتان جدی باشید، نقاط ضعف‌تان را پیدا کنید، و به‌طور پیوسته از آن‌ها رها شوید، آن‌گاه درحال تزکیه کردن هستید. اگر درحالی که از میان یک آزمایش می‌گذرید چیزی را درک کنید و دربارهٔ آن روشن شوید، و امور را به‌خوبی اداره کنید، آن‌گاه صعود کرده‌اید. قسمت صعود یافته جدا می‌شود، و با صعود یافتن بیشتر، جداسازی بیشتری خواهد بود. در عین حال آن‌چه که باقی می‌ماند باز هم قسمتی است که به‌طور کامل تزکیه نشده است؛ از آن‌جا که این قسمتی است که هنوز به‌طور کامل تزکیه نشده است، آن قسمت هنوز در دنیای بشری قرار دارد. پس دربارهٔ این بیندیشید: آیا به نظر نمی‌رسد که این شخص همیشه درحال تزکیه کردن است - و این قدر بی‌ثمر تزکیه می‌کند - و هیچ رشد قابل ملاحظه‌ای نمی‌کند؟ چرا این طور است که او نمی‌تواند جنبهٔ خدایی‌اش را آشکار سازد؟ وقتی یک شخص به‌خوبی تزکیه کرده باشد، از لحاظ ظاهری، می‌توانید فقط ببینید که شخص کاملاً کوشا است. کوشا بودن بدین معنی است که او قادر است هر لحظه به‌دقت مواظب گفتار و اعمالش باشد، به‌دقت به افکارش توجه کند، و قادر است با خودش جدی باشد، و معمولاً قادر است به‌طور جدی مواظب خودش باشد. این توصیف کسی است که در تزکیه کوشا است. تا وقتی که یک شخص هنوز درحال تزکیه کردن است، جنبهٔ خدایی او نمی‌تواند تأثیرگذار باشد، و شما تجلی واقعی یک خدا را در اجتماع بشری نخواهید دید. تزکیه کردن به چنین شکلی مطمئن می‌سازد که جنبه‌ای که کاملاً تزکیه شده آلوده نخواهد شد، مطمئن می‌سازد که شخص می‌تواند درحالی که حقیقت را در این وضعیت توهم نمی‌بیند به تزکیه کردن ادامه دهد، و مطمئن می‌سازد که مریدان دافا قادر خواهند بود حتی به مقام دستیابی والاتری اعتبار بخشند. در عین حال، همچنین مطمئن می‌سازد که درطول این دوره، دنیای بشری توسط جنبهٔ خدایی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و تغییر داده نمی‌شود. وقتی یک موجود بشری این چنین با پایداری و استقامت به پیش رود، قادر باشد که در این محیط سخت و آزار دهنده به‌طور خستگی‌ناپذیر تزکیه کند، و قادر باشد که کوشا باشد، حتی ترتیبی بدهد که موجودات ذی‌شعور را نجات دهد و حتی بهتر عمل کند، آیا این باشکوه نیست؟

این چیزی است که امروز مریدان دافا با آن مواجه هستند، و این شکلی از تزکیه است که توسط مداخله و مزاحمت از طرف نیروهای کهن و همراهان فراهم شد. بنابراین در طول روند تزکیه، تا وقتی که جنبه‌ای از شما که کاملاً تزکیه شده است به سمت دیگر رفته و جدا شود، هر چیزی که کاملاً تزکیه نکرده‌اید هنوز آشکار خواهد شد. وابستگی‌های بشری هنوز خود را نشان خواهند داد، درست همان طور که عناصر بد خود را نشان خواهند داد. هنگامی که تنش‌ها یا تضادها پدیدار می‌شوند، نمی‌توان گفت که مریدان دافا به‌خوبی تزکیه نکرده‌اند، و نه دربارهٔ آن گروه خاصی از تزکیه‌کنندگان می‌توان چنین و چنان گفت، و نمی‌توان گفت که افراد درگیر کوشا نیستند. شما هرگز نمی‌توانید جنبه‌ای را که کاملاً تزکیه شده ببینید. آن جنبه خدایی شده است، و فقط جنبه‌ای که کاملاً تزکیه نشده است خود را نشان می‌دهد. اما آن افراد واقعاً درحال تزکیه کردن هستند. نه تنها درحال تزکیه کردن هستند، بلکه درحال حاضر مقام دستیابی عظیم و تغییرات عظیمی در تمامی بدن‌شان را بنیان نهاده‌اند، همراه با بسیاری از قسمت‌های بدن‌شان که به خدایان تزکیه شده‌اند.

اگر دقیقاً به وضعیتی که این تضادها و مسائل بروز می‌کنند لحظه‌ای نگاه کنیم، آن‌ها هنوز هم با آن‌هایی که در اجتماع بشری اتفاق می‌افتند فرق می‌کنند. تضادها و تنش‌هایی که مریدان دافا با آن‌ها مواجه می‌شوند فقط برای خاطر تزکیه و برای خاطر اعتباربخشی به فا است. اگرچه وابستگی‌های بشری، وابستگی خودنمایی، وابستگی‌های فرد، و عناصری از موجودات بشری که می‌خواهند به خودشان اعتبار بخشند درگیر هستند، [مریدان دافا] دربارهٔ این چیزها می‌دانند و یک‌بار که شناسایی شوند، آن‌ها را اصلاح خواهند کرد. این کاملاً با مردم عادی فرق می‌کند. بنابراین مسائلی بین مریدان دافا خواهد بود، و بیش‌تر این‌که، چنین چیزهایی نقشی اضافی ایفا می‌کنند. یعنی، یک‌بار که تضاد و تنش ظاهر شود، افراد دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد. وقتی دیگران متوجه آن شوند، تضاد یا تنش تشدید خواهد شد، که پس از آن باعث می‌شود تزکیه‌کنندگانی که درگیر آن هستند متوجه آن شوند. اگر [یک تزکیه‌کننده] بتواند وقتی از میان آن می‌گذرد به درون نگاه کند، قادر خواهد بود نقاط ضعف خود را پیدا کند. اگر تضاد یا تنش به سطح آورده نمی‌شد یا ظاهر نمی‌شد، نمی‌توانستید وابستگی‌هایتان را کشف کرده و آن‌ها را شناسایی کنید. وقتی همه چیز آرام و بی‌دردسر باشد، آیا می‌توانید خود را تزکیه کنید؟

امروزه بسیاری از گروه‌های مذهبی وجود دارند که می‌گویند: «اوه، نگاه کنید مسائل ما این‌جا چگونه خوب هستند. همه همدیگر را دوست دارند و مراقب هم هستند.» اما آن‌ها چه چیزی را دوست دارند؟ (حضار می‌خندند) آن‌ها وابستگی‌ها را دوست دارند، خوشحالی در این دنیای فانی را دوست دارند، و دوست دارند آن دل‌خوشی بشری را در بین مردم حفظ کنند. آیا این تزییه است؟ این طور نیست! مطلقاً این‌گونه نیست. این فقط حفاظتی است که برای حفاظت از وابستگی‌های بشری استفاده می‌شود. من امیدوار هستم که مسائل بین مریدان دافا [کم‌تر و کم‌تر شود] - هرچه کم‌تر بهتر. اما وقتی چیزهایی با آن ماهیت تا حد امکان کم باشد، آن به‌واسطه محیط و وضعیتی است که توسط قادر بودن شما به جستجوی درون و هشیار بودن هنگام بروز تنش‌ها ایجاد شده است. این آرزوی من است، و اگر همه می‌توانستند به آن برسند عالی می‌بود. اگر افراد نتوانند به آن برسند چه اتفاقی می‌افتد؟ حتی اگر نتوانند به آن برسند، این هنوز هم تزییه است. فقط این‌طور است که آن‌ها در این وضعیتی که محیط تزییه ما است به‌اندازه کافی کوشا نبوده‌اند؛ با این وجود، آن‌ها هنوز هم درحال تزییه کردن هستند. این دقیقاً حالت محیط تزییه‌ای است که مریدان دافا در مرحله کنونی دارند. بگذارید مجدداً به همه شما بگویم: وقتی تضادها و تنش‌هایی به‌وقوع می‌پیوندند، هیچ چیزی برای ترسیدن وجود ندارد - فقط تزییه کنید و به‌خوبی عمل کنید. حتی برای آن‌هایی که در چین هستند که به‌خوبی عمل نکرده‌اند یا به‌اندازه کافی خوب عمل نکرده‌اند، یا کسانی که حتی کارهای بسیار بدی انجام داده‌اند، قبل از این که این امر به پایان برسد آن چیزها هنوز هم نموده‌ایی در تزییه شخصی هستند. اما زمان، منتظر هیچ کسی نخواهد ماند و فرصت‌های کم‌تر و کم‌تری وجود دارد.

از آن‌جا که موجودی بشری به‌سوی خدا شدن تزییه می‌کند، در طول این روند زجرآور جان‌آزبین بردن وابستگی‌ها - همگی درباره این بیندیشید - او مستعد به نمایش گذاشتن چه نوع چیزهایی ممکن است باشد؟ امکان دارد که مستعد همه چیز باشد. اما یک‌بار که متوجه آن شود، می‌تواند آن را اصلاح کند. و چرا می‌تواند چنین کند؟ این برای خاطر یک فرد عادی خوبی بودن انجام نمی‌شود، بلکه برای این‌که تا مرحله کمال تزییه کند. (تشویق) این مقدس است، و این پیمودن مسیری به‌سوی خدا شدن است. این متفاوت از چیزی است که در هر عدم توافقی که مردم عادی ممکن است داشته باشند اتفاق می‌افتد. شکلی که به خود می‌گیرد هیچ تفاوتی نخواهد داشت، اما نقطه شروع و هدف متفاوت خواهد بود، و حتی کارهایی که افراد انجام می‌دهند و حالت ذهنی‌ای که افراد در طول آن روند در آن هستند دقیقاً مثل هم نیستند. بنابراین باید این را تشخیص دهید. از آن‌جا که با عمق بیشتری به قالب و حالت تزییه می‌پردازم و مسائل را تشریح می‌کنم، هنگامی که با یکدیگر همکاری می‌کنید [از حالا به بعد] نباید دیگر وابستگی حالت دفاعی در برابر دیگران گرفتن را داشته باشید. (تشویق) خواه آن سرزنش کردن‌تان از یکدیگر باشد، استفاده از وابستگی‌های بشری برای پس زدن یکدیگر، یا انواع و اقسام حالت‌ها باشد - می‌توانم به شما بگویم، تمامی آن‌ها وابستگی‌های جدیدی است که به‌واسطه عدم درک شما از شکل تزییه [دافا] ظاهر شده است. آیا مسئله این نیست؟ بله این است! بنابراین در نتیجه عدم درک این حالت تزییه، وابستگی جدیدی را رشد ندهید. خود این وابستگی مانع بزرگی برای پیشرفت در تزییه‌تان خواهد بود، بنابراین باید از این نیز رها شوید.

تعداد زیادی از تضادها و تنش‌ها همان‌گونه که تمرین‌کنندگان تزییه می‌کنند ظاهر می‌شوند. وقتی وابستگی‌های بسیار زیادی وجود دارد که نمی‌تواند رها شود، محیط [تزییه‌ی] شما خوب نخواهد بود. اگر برعکس آن باشد، پس آن عالی خواهد بود. اگر وقتی مشکلات و تضادهای خاصی ظاهر شود درون را جستجو نکنید، آن‌ها تشدید خواهند شد، و این مسئله به‌دلیل وابستگی‌های خود شما اتفاق می‌افتد. برخی بیشتر و بیشتر شدید می‌شوند، و درواقع آن‌ها به‌واسطه خوب تزییه نکردن فرد باعث می‌شوند. آن ادامه پیدا می‌کند تا این که [تضاد] نمی‌تواند حل و فصل شود و آن شخص سردرگم می‌شود و توسط وضعیتی که خود را در آن می‌یابد آذیت می‌شود. پس چه کاری باید انجام شود؟ [آن‌ها تصمیم می‌گیرند،] «بیا برویم استاد را پیدا کنیم.» هر زمان که مسائل از کنترل خارج می‌شوند، افراد به جستجوی استاد می‌روند. همیشه به این دلیل به جستجوی استاد می‌روند که نمی‌توانند بر آن غلبه پیدا کنند، یا نمی‌خواهند بر آن‌ها غلبه پیدا کنند. آیا این طور است که سعی می‌کنید کمک کنید استاد تزییه کند؟ (استاد می‌خندند) (حضار می‌خندند) یا این شما هستید که درحال تزییه می‌باشید؟ (تشویق)

تزییه درباره تزییه خود شخص است. مهم نیست چه حالتی پدیدار می‌شود، شما باید نگاه سختی به خودتان بیندازید. می‌توانم به شما بگویم، اگر یک شخص عادی قادر باشد هرگاه با مشکلات مواجه می‌شود به خودش نگاه کند، او چیزی خواهد شد که مردم عادی یک فرزانه می‌نامند. هنگامی که یک مرید دافا با مسئله‌ای مشکل سختی دارد و نیاز دارد که درباره مسائل فکر کند، او باید به مسائل با شروع از شخص خودش نگاه کند و کارها را هم‌سو با محیط مورد نیاز مریدان دافا و اصلاح فا انجام دهد. زمانی که مشکلی به‌وقوع می‌پیوندد، بدین دلیل است که آن شخص به‌طور سرسختانه‌ای مخالف اصول فا حرکت می‌کند. بروید و پیدا کنید که مشکل کجا نهفته است، از آن لجبازی و سرسختی دست بکشید، و مسائل را روشن کنید. زمانی که با مسئله‌ای مواجه می‌شوید، بهترین رویکرد این نیست که به جلو حمله کرده

و با دیگران کشمکش کنید، [با هل دادن] خود را به جلو برسانید، و به پیش بشتابید تا به طور جدی به یک راه حل برسید. از وابستگی تان دست بکشید، یک قدم عقب بروید، و سپس آن را حل و فصل کنید. (تسویقی) اگر هرگاه مسئله‌ای اتفاق بیفتد بلافاصله بپردازید به این که حق با چه کسی است، آن مشکل چه کسی است، و شما چگونه عمل کردید، آن گاه درحالی که در ظاهر به نظر می‌رسد که در حال حل و فصل تضاد یا تنش هستید، در حقیقت اصلاً این طور نیست. در ظاهر بسیار منطقی به نظر می‌رسد، اما در حقیقت اصلاً منطقی نیست. شما یک قدم عقب نرفته‌اید و وابستگی خود را کاملاً دور بیندازید، و پس از آن درباره‌ی موضوع بیندیشید. فقط پس از این که شخص به آرامی و به صورت مسالمت‌آمیزی از یک تضاد عقب بکشد و سپس به آن نگاه کند می‌تواند به طور واقعی آن را حل و فصل کند.

اگر با هر چیزی که مواجه می‌شوید بتوانید بدان شیوه با خودتان رفتار کنید، حداقل راهی برای حل و فصل کردن مشکل پیدا خواهید کرد. در غیر این صورت چگونه می‌توانستید آن را حل و فصل کنید؟ وقتی شخصی به جلو حمله کرده و اهل کشمکش و جر و بحث باشد، هر چه بیشتر بخواهد آن را حل و فصل کند، کم‌تر قادر خواهد بود. در آن حالت هنوز هم در واقع از آن وابستگی دست نکشیدید و [با هل دادن] خود را به جلو می‌رسانید، و اصرار دارید که پی ببرید چه کسی درست و چه کسی اشتباه است؛ حتی با وجود این که مرتکب اشتباهاتی شده‌اید، اصرار می‌کنید که به اشتباهات دیگران پی ببرید. وقتی رویکرد، آن باشد، قادر نخواهید بود مشکل را حل و فصل کنید. بسیاری از مسائل این گونه ختم می‌شوند. و وقتی مشکل نتواند حل و فصل شود، می‌خواهید بروید استاد را بیابید. اغلب برای این که چرا نمی‌خواهم شاگردان را ملاقات کنم دلایلی وجود دارد، گرچه درحقیقت واقعاً دوست دارم با شما باشم. (تسویقی) شما دیده‌اید مردم در اجتماع امروزی چگونه شده‌اند. حتی نمی‌خواهم به افکار و رفتار آلوده‌شان نظر بیندازم. ترجیح می‌دهم با مریدان دافا در ارتباط باشم. اما به محض این که با شما ملاقات می‌کنم، سؤالات بسیاری را مطرح می‌کنید (حضار می‌خندند)، و بسیاری از چیزهایی را که قرار است همان‌طور که تزکیه می‌کنید روی آن‌ها کار کنید به من تحمیل می‌کنید. بنابراین چاره‌ای برای من باقی نمی‌ماند، و از این رو جرأت نمی‌کنم با شما ملاقات کنم. (حضار می‌خندند)

اگر همگی شما قادر باشید که درون را جستجو کنید، بسیاری از مشکلات حل و فصل می‌شوند، تنش‌های بسیار زیادی وجود نخواهد داشت، و در نتیجه چنین مسائل شدیدی که فوران می‌کنند وجود نخواهد داشت. حتی با وجود این که استاد این را گفته است، بعد از همه این‌ها، این موجودات بشری هستند که در حال تزکیه می‌باشند. حتی با وجود این که مریدان دافا تا این مسافت سفر کرده‌اند و تا جایی که امروز هستند تزکیه کرده‌اند، بعد از همه این‌ها، هنوز هم این موجودات بشری هستند که در حال تزکیه می‌باشند. قسمت‌های خوب، خدایی هستند و جدا شده‌اند، بنابراین وابستگی‌های بشری هنوز هم نمایان می‌شوند. این تا مرحله‌ای پیش می‌رود که برخی از تمرین‌کنندگان از من می‌پرسند: “استاد، چنین مدت زیادی است که تزکیه کرده‌ام. چرا آن افکار بد من هنوز هم این قدر قوی هستند؟ چرا این طور است که هنوز هم نمی‌توانم آن‌ها را برانم؟” این صحت دارد. تا وقتی که تزکیه‌تان را تمام نکرده باشید، در بین آلودگی‌ای [که توصیف کردم] هستید. تا وقتی که تزکیه‌تان را کامل نکرده باشید و عناصر کهن شما کاملاً از بین نرفته باشد، آن عناصر آشکار خواهند شد. فقط وقتی آن‌ها رفته باشند دیگر مشکلات وجود نخواهند داشت. حتی با وجود این که این را گفتم، هیچ کسی نباید شل شود، فکر کند: “اوه، پس این طور است. در این صورت هیچ چیزی ندارم که درباره‌ی آن نگران باشم. (حضار می‌خندند) اگر پدیدار شد، بگذار باشد. دیگر خودم را با آن به زحمت نمی‌اندازم.” این عملی نخواهد بود! تزکیه اولین و مهم‌ترین چیز است. من گفتم که اگر قادر نباشید آن را سرکوب کنید، اگر وقتی با تنش‌ها یا تضادها مواجه می‌شوید، نتوانید به درون نگاه کنید و درون خودتان را جستجو کنید، اگر نتوانید خود را تغییر دهید و وابستگی‌های بشری را از بین ببرید، آن گاه قسمت‌هایی را که کاملاً تزکیه شده‌اند و قسمت‌هایی را که خدایی شده‌اند نخواهید داشت، و کاری که انجام می‌دهید نمی‌تواند تزکیه کردن نامیده شود. بنابراین باید به طور پیوسته قسمتی از خود را که کاملاً تزکیه نشده است تزکیه کنید، طوری که به خدایی بودن برسد و کاملاً تزکیه شود، و باید با خودتان جدی باشید - فقط آن گاه این تزکیه است. در غیر این صورت تزکیه چه معنی دارد؟

شما می‌دانید، بسیاری از مذاهب به عصر پایان دارما رسیده‌اند. این طور نیست که مردم واقعاً می‌خواهند به شکلی که عمل می‌کنند عمل کنند؛ این به واسطه این است که سردرگم و سرگشته شده‌اند. مردم، فعالانه انجام دادن کارها را به عنوان تزکیه در نظر می‌گیرند، و حفظ کردن قالب‌های مذهبی را به عنوان تزکیه در نظر می‌گیرند. درحقیقت، خدایان هیچ اهمیتی به آن چیزها نمی‌دهند. آن‌ها فقط بهتر شدن ذهن و قلب مردم را مهم در نظر می‌گیرند، چرا که آن، بهبود و رشد واقعی است. محیط [به وجود آمده توسط قالب‌های مذهبی] صرفاً به منظور مهیا کردن فضایی است برای تزکیه‌کنندگان یا آن‌هایی که به بودا و خدا اعتقاد دارند که در آن با همدیگر رشد کنند، و برای این است که مردم بتوانند از یکدیگر یاد بگیرند. این دقیقاً شبیه جمع شدن مریدان دافا دور هم برای برگزاری کنفرانس فای جمع شدن دور هم برای مطالعه فای و تبادل تجربه، و انجام تمرین‌ها با همدیگر است. مریدان دافا نسبتاً زمان کمی را در چنین فضایی می‌گذرانند، و با این حال

آن‌ها یگانه فرصت‌هایی هستند که برای گفتگو در مورد مسائل و یاد گرفتن از همدیگر دارید. بیشتر فرصت‌ها [برای ارتباط] و بیشتر زمان‌ها، در اجتماع عادی سپری می‌شوند، و تنش‌ها و تضادهایی که با آن‌ها مواجه می‌شوید عمدتاً در اجتماع عادی ظاهر می‌شوند. این دقیقاً شکلی است که تزکیه شما [برمی‌گزیند]. در این صورت نمی‌تواند گفته شود که شما به‌خوبی تزکیه نکرده‌اید و نه می‌تواند گفته شود که مریدان دافا کوشا نیستند. تضادها و تنش‌هایی بین افراد خواهد بود. آن‌چه که مهم است این است که چگونه آن‌ها را اداره می‌کنید.

هم‌اکنون درباره این موضوع، بیش‌تر با شما صحبت کردم. در واقع تمامی فایه‌هایی که آموزش داده‌ام از آن یک جلد فا است. نگاه دقیقی به جوآن فالون بیندازید، و [خواهید دید که] تمامی فایه‌هایی که بعد از انتشار این کتاب آموزش دادم توضیح جوآن فالون است. اگر این را باور نمی‌کنید، باید بروید و نگاه کنید. تزکیه کردن بر طبق جوآن فالون به موفقیت شما در تزکیه منجر خواهد شد. (تسویق)

بگذارید از این فرصت استفاده کرده تا مسئله‌ای را ذکر کنم. وقتی مریدان دافا کارها را با همدیگر انجام می‌دهند، باید واقعاً با یکدیگر به‌خوبی همکاری کنید. تغییرات در وضعیت کلی امور بزرگ بوده است. شما دیده‌اید که بسیاری از چیزها هنوز با موانع مواجه می‌شوند، اما یک‌بار که تمامی آن موانع از سر راه برداشته شوند، این امر به پایان خواهد رسید. وضعیت جاری امور دقیقاً به‌واسطه این است که آن چیزها هنوز پاک نشده‌اند و این‌که هنوز افراد زیادی وجود دارند که به‌خاطر دروغ‌ها از دست رفته‌اند و این‌که هنوز بسیاری از افراد هستند که مایل نیستند حقیقت را بدانند. اما این وضعیت به‌طور پیوسته در حال محو شدن است، شبیه یخ که ذوب می‌شود. یک‌بار که تماماً محو شود، دیگر این محیط وجود نخواهد داشت. آن‌هایی که می‌خواهند تزکیه و رشد کنند هیچ محیطی برای این کار نخواهند داشت. آن‌هایی که می‌خواهند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند پی خواهند برد که موجودات بشری همگی، مسائل را می‌فهمند، و بنابراین نیازی به انجام آن کار نیست. به‌عبارت دیگر، یک‌بار که به چنین مرحله‌ای برسند، هیچ کاری برای انجام دادن باقی نخواهد ماند. بنابراین دقیقاً به‌خاطر این‌که در حال حاضر کارهای زیادی وجود دارد که نیاز است انجام شود و بسیاری از مردم هنوز [از این‌که واقعاً چه می‌گذرد] آگاه نیستند است که موقعیتی داریم که امروز در حال دیدن آن هستیم و برای شما نیاز است که کارها را انجام دهید. تغییرات در این وضعیت به نوبه خود از هر آن‌چه که مریدان دافا در جهت روشن کردن حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور در آن مشارکت می‌کنند جدایی‌ناپذیر است. البته، تأثیر وضعیت اصلاح فایه‌های قسمتی از آن است، اما اگر مریدان دافا همگی، حقیقت را برای تک‌تک افراد آشکار نکنند، یا حقیقت را برای اجتماع آشکار نکنند، آن‌گاه در خصوص روند تبدیل اذهان مردم عادی در لایه سطحی، آن چیزی نیست که خدایان برای آن‌ها به‌طور انفرادی انجام دهند. بنابراین کارهایی که درگیر لایه سطحی موجودات بشری می‌شود باید توسط مریدان دافا انجام شود.

افرادی با روابط تقدیری و آن‌هایی که می‌توانند نجات یابند می‌توانند - توسط بدن‌های قانون استاد، خدایان راستین، یا میدان عظیمی که مریدان دافا در دنیا شکل داده‌اند - واداشته شوند که در هر موقعیت و مناسبتی درست در مقابل شما ظاهر شوند، به‌طوری که برای آن‌ها فرصتی برای دانستن حقیقت فراهم کند. اما شما باید آن‌را به انجام برسانید، و اگر شما بیرون نباشید که کارها را انجام دهید، این عملی نیست. حتی با وجود این‌که وضعیت کلی امور دست‌خوش تغییرات عظیمی شده است، فشار [چیزهایی که هنوز] در مقابل شما [قرار دارد] کم نشده است. نجات مردم در حال حاضر موضوعی اضطراری است؛ هنوز هم مردم زیادی هستند که حقیقت را ندیده‌اند. آن‌چه که برای چگونگی مردم عادی صحت دارد، همانی است که چگونه حکومت‌های گوناگون رفتار خواهند کرد؛ بدون توجه به این‌که آن‌ها درک درستی دارند یا نه، و بدون توجه به این‌که چه نوع افکاری دارند، وقتی حقایق به آن‌ها ارائه شود متقاعد خواهند شد و باید به چیزها به‌درستی بنگرند. خواه این تزکیه باشد یا نجات موجودات ذی‌شعور - هدف ذهن شخص است، نه برخی نهادها. بدین صورت که ملیت خاصی در نظر گرفته شده باشد که نگه داشته شود یا برخی دیگر دور ریخته شوند، امور تعیین نشده‌اند. قطعاً این‌طور نیست. مهم نیست یک شخص از چه کشوری هست یا در کدام گوشه دنیا زندگی می‌کند، [کوشش‌های ما] فقط ذهن فرد را هدف قرار می‌دهد، نه برخی نهادها را.

بسیاری از مریدان دافای ما صحنه‌هایی واقعی از آینده را دیده‌اند؛ آن‌ها کاذب نیستند. آن چیزها قدم به قدم، همراه با تغییراتی که با گذر زمان روی می‌دهند پیوسته نزدیک‌تر می‌شوند. بنابراین، به‌عنوان مریدان دافا باید در خصوص کارهایی که قرار است انجام دهید به‌خوبی عمل نمایید. درباره چیزهایی که قرار است در آینده اتفاق بیفتد نگران نباشید، این کافی است اگر دروناً بدانید که چه کار باید بکنید، فا را در ذهن تان داشته باشید، هر کاری را که لازم است انجام داده شود انجام دهید، و هر کاری را که مایلید انجام دهید، تا وقتی که دافا به آن نیاز دارد، انجام دهید. (تسویق) در خصوص هیچ چیزی به افراط و تفریط نروید؛ کارها را به‌طور منطقی و با ذهنی شفاف انجام دهید. /بن، تقوای عظیم یک مرید دافا است. هر کسی که از عهده آن بریاید که در حالی که این شکل تزکیه اجتماع عادی‌گونه را پیروی می‌کند پایدار بماند، آن شخص به‌طور واقعی در حال انجام بهترین کار در این قالب از تزکیه است. اگر با این قالب، کسی رفتاری را به نمایش بگذارد که هم‌سو با این قالب نبوده و با آن اختلاف داشته باشد، آن‌گاه چه بسا آن شخص به‌حد کافی خوب عمل نکرده است. از آن‌جا که تزکیه مریدان دافا با این قالب شبیه این اجرا می‌شود، این قالب قادر است مریدان دافا را تکوین دهد، و آن می‌تواند مقام‌های دست‌یابی بی‌اندازه سطح

بالای آینده را به وجود بیاورد. جدا شدن از این قالب یا انطباق نداشتن با آن، مانع تزکیه شما می‌شود؛ در واقع آن چیزها حاصل وابستگی‌ها است.

امروز این چیزها را به شما گفته‌ام و درباره این موضوعات با شما صحبت کرده‌ام زیرا در حال حاضر چیزهای زیادی هستند که به حد کافی خوب انجام نشده‌اند، و مشکلات برجسته بسیاری وجود دارد. حالت‌هایی بوده‌اند که همان‌طور که با هم کار می‌کنید کمتر رضایت‌بخش بوده، و بنابراین استاد به این مسائل اشاره کرده است. امروز بیش‌تر آمدم که همگی شما را ببینم. کنفرانس فا فرصت خوبی برای شما است تا بحث و گفتگو کرده و از یکدیگر یاد بگیرید. استاد بیش‌تر صحبت نخواهد کرد. در همین جا خاتمه می‌دهم. متشکرم! (تسویق گرم)

از دیدن شما بسیار خوشحال هستم. (تسویق) هر زمان که شما را می‌بینم، [می‌توانم بگویم که] تغییرات چشم‌گیری در موقعیت بزرگ‌تر و وضعیت کلی امور بوده است. هر بار همین‌طور است، بنابراین خواهیم گفت که محیط مریدان دافا می‌تواند مردم را تعدیل کند. به‌عنوان یک مرید دافا در این اجتماع، مهم نیست خود را در چه نوع موقعیت یا گوشه اجتماع می‌یابید، شما در حال ایفای نقش مثبتی هستید. بدون توجه به این که در حال آشکارسازی حقیقت و اعتباربخشی به فاهستید یا انجام کارهایی که مستقیماً به دافا ارتباط دارد، در هر حال در حال نجات موجودات ذی‌شعور هستید و در حال ایفای نقش عظیمی هستید (تسویق)، و این به‌خاطر این است که افکار درست شما و میدان پر از محبت و نیک‌خواهی شما در حال ایفای نقش مثبتی هستند. امیدوارم که در زمانی که پیش رو داریم حتی بهتر عمل کنید. (تسویق) هر چیزی که مریدان دافا به آن نائل شده‌اند به‌زودی آشکار خواهد شد. متشکرم! (تسویقی طولانی)

⁻¹ یا پادشاه فا

۲- یادداشت مترجم: واژه چینی اینجا، رولای، می‌تواند به‌صورت «پس می‌آید» ترجمه شود، مانند در «فردی که پس می‌آید.» از این‌رو توضیح ارائه شده در این متن اینجا، به حس و معنی دو کلمه چینی رو و لای مربوط می‌شود. در ترجمه، مطابق معمول از واژه سانسکریت «تاناکاتا» استفاده شده است.